

پای صحبت‌های محمدرضا باهنر، عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و از تدوینگران سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، نشستیم تا بشنویم درباره برنامه هفتم توسعه چه نظری دارد، به نظر او چه لوازمی برای اجرایی شدن این برنامه نیاز است و علت کندی توسعه ایران را در چه عواملی می‌داند. بر اساس گفته‌های باهنر یکی از عوامل اصلی عدم موفقیت برنامه‌های توسعه خرج تراشی‌های مجلس بوده و دولت‌ها هم در جاهایی برای آنکه رضایت مردم را کسب کنند منافع بلند مدت آن‌ها را قربانی کرده‌اند. او معتقد است با جبران برخی ناترازی می‌توان به اجرایی شدن برنامه هفتم توسعه امیدوار بود. در ادامه مشروح گفت‌وگوی ایران با ایشان را می‌خوانید.

### برنامه‌های اول تا ششم توسعه، مسائلی را داشته؛ برخی برنامه‌ها محقق شده و برخی هم نشده است. از نظر شما چرا در دهه‌های گذشته، مفاد اصلی برنامه‌ها محقق نشده است؟

به باور من، این اشکالات به جریانات سیاسی برمی‌گردد. تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان مکمل هم نیستند و رقابت بی‌ربطی باهم دارند. هر دولتی که روی کار می‌آید، با بولدوزر از دولت قبلی عبور می‌کند. وظیفه چهار سال اول رئیس‌جمهور این است که کارهای دولت قبلی را خنثی کند و در چهار سال دوم هم کارهایی می‌کند که دولت بعدی می‌خواهد آن را خنثی کند. این روند، بهره‌وری را بشدت کاهش می‌دهد، سرمایه‌ها و اعتماد را از بین می‌برد. باید دولت برنامه را اجرا و کمبودهایش را برطرف کند و هر مقدار که نتوانست را تحویل دولت بعدی بدهد.

به رئیس دفتر آقای رئیسی گفتم که دولت قبلی بنایان وضع دیروز بودند ولی الان یک سال و نیم گذشته است و بانی هراتفاقی که می‌افتد، شما هستید؛ بنابراین دیگر نمی‌توانید به گردن دولت قبلی بیندازید.

در مجمع تشخیص مصلحت نظام، صحبتی کردم مبنی بر اینکه آقایان دولتی می‌آیند و گزارشی می‌دهند که مثلاً ۲۰ درصد سیاست برنامه را اجرا کردیم، اما من نامش را «اجرائیات اتفاقی» می‌گذارم چرا که دولت‌ها اساساً به دنبال اجرای برنامه نیستند. اگر عملکرد دولت افغانستان را مورد بررسی قرار دهید، ممکن است ۱۰ درصدش منطبق با برنامه‌های ما باشد. معتقدم که نظام جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی، نیازمند ۲-۳ حزب صاحب نظر، صاحب موضع و پاسخگوست. نظام‌هایی که متکی بر رأی مردم هستند، نیاز به چند حزب قدرتمند دارند. ما چندین حزب داریم اما خرد هستند. بر اساس اطلاعات وزارت کشور، ۲۰۰ حزب مجوز گرفته‌اند اما از این تعداد، ۱۵۰ حزب تعطیل هستند یا یک برگه‌ای دست خانم یا آقای برای روز مباداست. نزدیک انتخابات هم که می‌شود این احزاب جبهه تشکیل می‌دهند و یک عده‌ای به مجلس می‌روند. کسانی هم که به مجلس می‌روند، کاری به آن حزب ندارند. در صورتی که نماینده‌ای که از طریق یک حزب به مجلس می‌رود، باید تفکر حزب پشتوانه‌اش باشد و باید از مواضع آن دفاع کند.

از هر کسی حتی رئیس‌جمهور هم این پرسش را بپرسید که آیا کسی در کشور غیر از رهبری وجود دارد که نگران ۱۰ تا ۵۰ سال نظام باشد، پاسخ می‌دهد که ما ۴ سال بر سر

کار هستیم و کارهایی می‌کنیم. اما اشکال اساسی این است که فرایندها مستمر و باثبات نیست تا تغییر حس شود، بلکه حرکت‌ها زیگزاگی است که بهره‌وری را کاهش می‌دهد.

خدماتی که جمهوری اسلامی ارائه کرده، طومار بلند بالایی است. ارقام و آمارش معجزه‌آسا و بزرگ است اما ظرفیت کشور بیش از این حرف‌هاست. ما گفتیم که ۲۰ درصد از رشد باید از طریق افزایش بهره‌وری باشد اما محقق نشده است. الان می‌گویند تولید ناخالص داخلی ما از ۴۰۰ میلیارد دلار تا هزار میلیارد دلار در نظری می‌گیرند. من با عدد آن کاری ندارم اما اگر بهره‌وری ما از اول انقلاب تا الان، در خور بود و سالی یک تا ۲ درصد رشد اقتصادی ما از طریق بهره‌وری شکل می‌گرفت، امروز تولید ناخالص باید ۴ تا ۵ برابر بیشتر از وضع موجود بود. منظور از اینکه تولید ناخالص ما باید هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار باشد، این است که برای هر سال باید در نظر گرفته شود نه اینکه کل ثروت کشور این باشد. اگر ما یک سال چنین رقمی داشته باشیم، یعنی ۸۰۰ میلیارد دلار موقعیت و هزینه فرصت را از دست می‌دهیم چون بهره‌وری مستمری نداریم. دولت‌ها و حتی مجلس که بعضاً قوانین تورم‌زایی تصویب می‌کند، باعث چنین مسائلی می‌شوند.

آقای قالیباف در روز اول ریاست خود در مجلس، من را دعوت کرد که با هم صحبت کنیم و از من مشاوره گرفت. به ایشان پیشنهاد دادم که دو کار را انجام ندهد و سه کار را انجام دهد؛ اولین کاری که نباید انجام داد، این است که هزینه‌های دولت را افزایش ندهید چون بودجه ما بشدت نامتعادل است و این یکی از پایه‌های اساسی تورم است. مسأله بعدی، این است که پرسنل دولت را زیاد نکنید. در یک عرف بین‌المللی، نیاز به ۸۰۰ هزار کارمند قدرتمند داریم. در صورتی که ما نزدیک به ۶ میلیون کارمند به ازای ۷۰۰ هزار نفر داریم. هر کارمند به طور میانگین ۲۰ دقیقه کار می‌کند که ای کاش همان ۲۰ دقیقه را هم کار نمی‌کرد چون برای مردم مزاحمت ایجاد می‌کند. اینجا یک پارادوکسی ایجاد می‌شود و هر کارمند به طور متوسط یک خانواده ۴ نفره دارد که مجموعاً ۲۰ میلیون جمعیت را شامل می‌شود. سراغ هر کدام از آن‌ها که بروید، از سیستم اداری کشور و کارمندان انتقاد می‌کنند در حالی که خودشان کارمندند. خود آن کارمند گرفتار است و مشکل، ساختاری است که به وجود آمده.

از زمانی که این حرف را به آقای قالیباف گوشزد کردم، در هشت ماه اول تا ۳۰ درصد بودجه دولت بالا آمده است. البته این تقصیر آقای قالیباف نیست و ساختار مجلس به این شکل است که باعث چنین مسائلی شده است. می‌گویند رتبه‌بندی معلمان را اجرا کنید و بودجه‌اش را از ۴۰ هزار میلیارد تومان به ۶۰ هزار میلیارد تومان افزایش دهید، اما بودجه‌اش را چطور باید به دست بیاوریم؟ نتیجه‌اش این می‌شود که هزار تومان در جیب راست معلم می‌گذاریم، ۵ هزار تومان از جیب چپ معلم برمی‌داریم و فکر می‌کنیم که به این معلم خدمت کرده‌ایم. ما در کشور یک نظام اقتصادی، قضایی، اداری و آموزشی داریم. این نظام‌ها نباید بایکدیگر در تضاد باشند بلکه باید در کنار هم درست کار کنند تا این منظومه به جمهوری اسلامی تبدیل شود. در خصوص اینکه از کجا باید این را شروع کرد یک بحث دیگر است. من نیامده‌ام تا قسمت خالی لیوان را برای شما شرح دهم. کارهای افتخارآمیزی زیادی شکل گرفته است اما می‌خواهیم چالش‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

ما در کشور یک نظام اقتصادی، قضایی، اداری و آموزشی داریم. این نظام‌ها نباید بایکدیگر در تضاد باشند بلکه باید در کنار هم درست کار کنند تا این منظومه به جمهوری اسلامی تبدیل شود. در خصوص اینکه از کجا باید این را شروع کرد یک بحث دیگر است